

فطری بودن قربانی و راز انحرافات آن در ادیان ابتدایی

احمد آقایی میبدی*

چکیده

آیین قربانی از کهن‌ترین آیین‌های بیشتر ادیان است. انسان‌ها در تمام ادوار کوشیده‌اند تا با تقدیم هدیه و قربانی به خدا یا خدایان، خشنودی آنها را جلب کرده، از خشم و غضب آنها جلوگیری کنند. منشأ قربانی در ادیان، امر الهی است؛ اما این آیین در ادوار مختلف تاریخ، به علل گوناگون دستخوش تغییر و تحوّل‌های زیادی شده است. با این حال، این آیین در ادیان مختلف، دارای شباهت‌هایی است که از آن جمله، یاد خدا و تقرّب به او در انجام قربانی‌ها است؛ چنانکه در مواردی نیز با یکدیگر اختلاف دارند؛ مانند جایگاه قربانی در شریعت و آداب آن. برای تبیین بهتر، شایسته است منشأ قربانی را در طول تاریخ ردیابی کنیم و ببینیم در ادیان گذشته، قربانی به چه نحو بوده است؟ آیا دست تحریف، گریبانگیر این آیین مقدّس نیز شده است؟ این نوشتار به دنبال پیدایش و پیشینه قربانی، اهداف و انگیزه‌های تقدیم قربانی و انحرافات پدید آمده در آن است. کلیدواژه‌ها: قربانی، ادیان ابتدایی، منشأ قربانی، قربانی انسانی، انحرافات قربانی.

تعریف قربانی

برای قربانی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. معادل انگلیسی قربانی «Sacrifice» است که از sacrificium گرفته شده و آن ترکیبی است از دو کلمه «sacer» به معنای مقدّس و کلمه «facere» به معنای ساختن.^۱

لفظ «قربان» که در عربی از «قرب» به معنای نزدیکی گرفته شده است، می‌رساند که در همه قربانی‌ها، نزدیکی جستن به خدا یا خدایان و یا قوای فوق طبیعی مدّ نظر بوده است؛ درحالی که کلمه «sacrifice» که تقریباً معادل قربانی است، می‌رساند که شیء قربانی شده برای خدایان، به وسیله قربانی کردن، جنبه تقدّس و خدایی به خود گرفته است.^۲

برای قربانی گاهی واژه «پیشکش»^۳ نیز استفاده می‌شود. پیشکش گاهی مترادف قربانی و گاهی اعم از قربانی است و به معنای هدیه‌دادن به کار می‌رود.

دایرةالمعارف دین، اصطلاح قربانی را عملی مذهبی می‌داند که در آن، چیزهایی از مایملک شخص خارج شده و به خدا یا یک نیروی فوق طبیعی اختصاص داده و تقدیم می‌شود.^۴

برخی دیگر، قربانی را به آیینی تعریف کرده‌اند که طی آن، چیزی فدا شده یا از بین می‌رود و هدف از آن، برقراری رابطه‌ای است بین یک نیروی ماوراءالطبیعی و کسانی [انسان‌ها] که به این نیرو نیازمندند. این رابطه می‌تواند برای کسب یک نیروی معنوی باشد که تصور می‌شود در طی یک وعده غذایی مشترک به دست می‌آید و یا جهت رفع نقص‌ها و سستی‌های بشر.^۵

آیین قربانی در اغلب ادیان وجود داشته و نوعی پرستش به شمار می‌رود. پرستش، حالتی است که در آن انسان از درون خود به حقیقتی که او را آفریده، توجّه می‌کند و خودش را نیازمند او می‌بیند. وقتی حالت پرستش در انسان پدیدار می‌شود، خواه‌ناخواه انسان در برابر آن عظمت سر به کرنش می‌گذارد و او را حمد و ستایش می‌کند. انسان در این حالت گوش به فرمان معبود است تا تمام اوامر و نواهی او را رعایت کند.^۶ بنابراین آیین قربانی را می‌توان نوعی سرسپردگی نسبت به معبود حقیقی دانست.

منشأ قربانی

در مورد منشأ، نقش و هدف قربانی در ادیان، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است و این اختلاف آراء به اختلاف مبانی آنها در منشأ دین باز می‌گردد. اینکه یک دین‌پژوه منشأ و

پیدایی دین را چه می‌داند در کارکردها و اهداف آموزه‌های دینی نقش بسزایی دارد. پس برای بررسی منشأ قربانی، باید به دیدگاه‌های گوناگون درباره منشأ دین پردازیم. اغلب دیدگاه‌های گوناگون درباره منشأ دین و ماهیت و قلمرو آن از قرن نوزدهم به بعد ارائه شده است. دین‌پژوهان این دوره، بیشتر به تبیین فلسفه اجتماعی دین می‌پردازند تا به جنبه‌های کلامی آن.^۷ دین نزد آنها پدیده‌ای آسمانی و مقدس نیست؛ بلکه پدیده‌ای بشری و تاریخی است. آنها دین را از حیث منشأ، خاستگاه، تحول، تنوع، تأثیر و تأثرات آن در بافت اجتماع، تعامل دین با نهادهای دیگر اجتماع و... بررسی می‌کنند. این برخلاف دین‌پژوهان سنتی است که دین نزدشان، نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی بهم پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبران وحی شده تا مردم را بر اساس آن، ارشاد کنند.^۸ از این‌رو، نگاه آنها به دین، درون‌دینی و از نوع معرفت‌شناسی است.

دیدگاه‌هایی که دین‌پژوهان جدید درباره منشأ دین ارائه کرده‌اند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: دیدگاه‌های الحادی یا تکامل‌گرایانه و دیدگاه‌های خداگرایانه. در اینجا می‌کوشیم با توجه به برخی از این دیدگاه‌ها، به منشأ قربانی پردازیم.

تبیین منشأ قربانی براساس نظریه تکاملی^۹ در منشأ دین

آگوست کنت^{۱۰} برای تکامل ذهن بشر، سه مرحله را ترسیم می‌کند:

مرحله اول، مرحله دینی (بت‌پرستی - چندخدایی - یکتاپرستی) است. بنا به این نظریه، بشر بالطبع اصل علیت را پذیرفته بود؛ اما چون علل اصلی حوادث را نمی‌شناخت، اینها را به یک سلسله موجودات غیبی، خدایان و امثال اینها نسبت می‌داد؛ مثلاً هنگامی که باران می‌آمد، چون علت آمدن باران را نمی‌شناخت، قائل به «خدای باران» می‌شد و همچنین حوادث دیگر.

مرحله دوم، مرحله فلسفی است. در این مرحله، ذهن بشر به دنبال نیروهای انتزاعی و مجرد است. ویژگی این مرحله، توسل به جوهرهای مجرد و مفاهیمی مانند «ذوات» و ویژگی‌های مابعدالطبیعی است.

مرحله سوم، مرحله اثباتی یا علمی است. در این مرحله با مشاهده و استدلال، روابط ضروری میان حوادث جست‌وجو و با طرح قوانینی، تبیین می‌شوند. به نظر کنت، این مرحله عالی‌ترین مرحله و غایت آمال بشر است و هر فردی باید در نهایت به این مرحله برسد.^{۱۱}

بنابراین دین نزد آگوست کنت، معلول جهل بشر است و اکنون که به رشد فکری و علمی رسیده است، نیازی به دین ندارد. منشأ قربانی در این دستگاه فکری، همان جهل بشر است؛ زیرا بشر از نیروهای طبیعت می ترسید و نمی توانست علت آنها را درک کند؛ از این رو، فکر می کرد این رخدادها حاصل عمل نیروها و ارواح نامرئی است. او نیروهای مجهول طبیعت را تشخیص بخشید و به وجود گروهی خدایان که با خشم و کین تمام بر جهان فرمان می رانند، معتقد شد. آن گاه این گروه از ارواح یا خدایان را به خود قیاس کرده، پنداشت که آنان نیز، خواسته های انسانی دارند. پس به منظور جلب رضایت و یاری خدایان، پرستش و ستایش آنان را آغاز کرد. او تقدیم هدایا و قربانی را از وظایف خود دانست.^{۱۲}

اما باید توجه داشت که پیش فرض باطل این نظریه این است که دین، منشأ عقلانی ندارد؛ در حالی که دین، منشأ عقلانی دارد. این نظریه می گوید: دین داران ابتدایی به جای جست و جوی منشأ علمی برای حوادث، به دنبال منشأ ماورایی بودند و هنگامی که به مرحله علمی رسیدند، دیگر توجیه دینی را رها کردند؛ در حالی که دین و علم تعارض ندارند. از این رو، بسیاری از دین داران امروزی به توجیه علمی حوادث عالم اعتقاد دارند.

استاد مطهری در نقد این نظریه، دو مطلب را بیان می کند:

یک: سه دوره ای که آگوست کنت بیان کرده است، از نظر عامه مردم ممکن است صحیح باشد؛ به این معنا که در یک دوره، مردم علت یک حادثه (مثلاً بیماری) را موجوداتی نامرئی از قبیل دیو و جن می دانستند؛ اما تقسیم بندی فکر بشر به این نحو درست نیست. اگر بخواهیم ادوار تفکر بشر را تقسیم بندی کنیم، باید افکار متفکران بشر (و نه توده و عامه) را مقیاس دوره ها قرار دهیم؛ یعنی جهان بینی افراد برجسته بشر را در نظر بگیریم. در این جاست که می بینیم، تقسیم بندی کنت سر تا پا غلط است؛ چراکه اندیشه بشری، سه مرحله طی نکرده است.

دو. از نظر متد اسلامی همه این تفکرات در یک شکل خاص با هم امکان اجتماع دارند؛ یعنی در جهان بینی اسلامی این سه نوع مرحله با یکدیگر قابل جمع است. یک فرد، در آن واحد می تواند طرز تفکری داشته باشد که هم الهی باشد و هم فلسفی و هم علمی. بنابراین در اینجا طرز تفکر و مرحله چهارمی وجود دارد که امثال آگوست کنت از آن غافل هستند.^{۱۳}

تبیین منشأ قربانی با توجه به نظریه جانمندانگاری^{۱۴} در منشأ دین

مُبدع نظریه جانمندانگاری، ادوارد تیلور^{۱۵} است. تیلور معتقد است انسان ابتدایی هنگامی که به وجود روح و بقای آن پس از مرگ پی برد، سعادت و شقاوت خود را نیز از عالم ارواح دانست و به این نتیجه رسید که برای سعادت خود باید رضایت و خشنودی موجودات روحانی را به دست آورد و از خشم و غضب آنها رهایی یابد. از این رو، به عبادت و قربانی کردن برای آنها پرداخت. نخستین عبادت‌هایی که در تاریخ می‌بینیم، مربوط به مردگان است؛ یعنی انسان‌های ابتدایی، مردگان را می‌پرستیدند و قربانی خود را به مردگان هدیه می‌کردند. پس از این، برای طبیعت نیز ارواحی قائل شدند و به پرستش آن ارواح پرداختند.^{۱۶} پس منشأ قربانی، اعتقاد به وجود ارواح و تأثیرگذاری آنهاست.

تیلور برای قربانی، سه مرحله را در نظر می‌گیرد: در مرحله اول، قربانی از تقدیم متداول هدیه به یک موجود برتر یا خدا به مثابه یک انسان، سرچشمه می‌گیرد. همان‌طور که مرگ، روح انسان را آزاد می‌کند، قربانی نیز اجازه می‌دهد هستی یک چیز (از راه خون یا بویش که سمبل حیات است) به قلمرو ارواح منتقل شود. بنا به این نظریه، تیلور تبیین می‌کند که چرا قربانی‌های به ارواح زمینی، دفن می‌شوند و قربانی‌های به خدایان آب، غرق می‌شوند و قربانی‌های به خدایان آسمان، اغلب سوزانده می‌شوند.

در مرحله دوم، عمل قربانی پیشرفت کرد و آن هنگامی بود که مردم رفته‌رفته باور کردند که رضایت و خرسندی خدایان و تشکر ستایشگران برای خدایان مهم است. تیلور این مرحله را مرحله «کرنش»^{۱۷} نامید و خاطر نشان کرد که این کرنش، معمولاً شامل ضیافتی برای احترام به خداست. در این غذای مشترک، مردم از جنبه مادی و خدا از جنبه روحانی آن بهره می‌برند.

در مرحله نهایی، آیین قربانی هنگامی اتفاق می‌افتد که انگیزه ابتدایی برای قربانی کردن، تسلیم یک چیز باارزش می‌شود. تیلور این مرحله را مرحله «فداکاری»^{۱۸} می‌نامد، یعنی یک عمل آیینی که نه برای منفعت روح، بلکه برای منفعت قربانی‌کننده اجرا می‌شود. در خلال این مرحله است که روش‌های جایگزینی اجرا می‌شود؛ مانند پیشکش یک عضو به جای کل یا قربانی حیوان به جای قربانی انسان.^{۱۹}

اشکال نظریه تیلور اینجاست که او تنها تبیین معقول از دین را تبیین طبیعی می‌داند. وی کوشیده تا با جمع شواهد و برقراری پیوندی سست بین آنها، به اثبات مدعای خود

بپردازد. همیلتون می‌نویسد: «داعیهٔ تیلور نه بر شواهد درست، بلکه بیشتر بر حدس و گمان مبتنی است؛ چراکه روش درون‌نگری دست‌کم برای دستیابی به دانش مربوط به ذهنیت انسان اولیه اعتمادناپذیر است. پریچارد به این نوع روش، سفسطهٔ «اگر من اسب بودم» می‌گوید؛ چراکه ساختمان منطقی ذهن بررسی‌کننده در انسان ابتدایی نهاده می‌شود و به عنوان تبیین باورداشت‌هایش به کار می‌رود.»^{۲۰}

تبیین منشأ قربانی با توجه به نظریه جادو در منشأ دین

جیمز فریزر^{۲۱} مردم‌شناس اسکاتلندی، منشأ دین را جادو می‌داند. او معتقد است انسان ابتدایی برای مهار طبیعت سراغ جادو رفت؛ اما پس از اینکه از کارآمدی جادو ناامید شد، سراغ دین رفت و از خدایان برای مهار طبیعت کمک خواست. بشر با رشد عقلی، به علم روی آورد و در نتیجه دیگر جایی برای دین باقی نماند.^{۲۲}

بنا به این نظریه، پس از اینکه انسان ابتدایی به نیروی فوق طبیعی معتقد شد، عده‌ای خود را مورد الهام چنین نیروی دانستند و ادعای خدایی کردند. به همین جهت برخی قبایل، پادشاه خود را خدا می‌خواندند^{۲۳} و تلقی آنان از قدرت او و رابطه‌اش با قبیله، به صورت جادوگرانه بود. شاه به عنوان یک خدا، محور جهان تلقی می‌شد. از شخص او، نیرویی به همهٔ جهان ساطع می‌شد؛ به گونه‌ای که هریک از کنش‌های او یا تغییری در وضع او، می‌توانست بر کل تعادل نظم طبیعی و بر تمام زندگی قبیله تأثیر بگذارد.^{۲۴} این قدرت او، جنبه جادویی داشت. این پادشاهان برای خود، طلب قربانی و هدیه می‌کردند و مردم نیز برای سلامتی آنها، قربانی انسانی انجام می‌دادند.^{۲۵}

بنا به نظریهٔ جادو، قربانی یکی از کارهای جادویی است که انسان ابتدایی برای دخالت و تصرف طبیعت از آن استفاده می‌کرده است. آنها معتقد بودند طبیعت بر طبق اصل تقلید و تماس عمل می‌کند. آنها این اصول را دائمی، جهانی و غیرقابل نقض می‌دانستند. سرخ‌پوستان پاونی^{۲۶} خون دوشیرهٔ قربانی را به ابزار کشاورزی می‌مالیدند و معتقد بودند که قدرت حیات‌بخش آن، صرفاً به وسیلهٔ تماس به بذرها منتقل خواهد شد.^{۲۷}

اشکال نظریهٔ فریزر این است که تبیین فوق طبیعی از دین را نادرست می‌داند. مثال‌هایی که او از جادو جمع‌آوری می‌کند، مختص به زمان پیش از مرحلهٔ دین نیست. او معتقد است یک زمانی حوادث عالم بر اساس علل دینی تبیین می‌شد و الان با علل طبیعی؛

درحالی که یک حادثه را می‌توان هم با علل طبیعی تبیین کرد و هم با علل دینی و چون این دو علل، هم‌عرض یکدیگر نیستند، با هم تعارض ندارند. بنابراین، اشتباه است که معتقد باشیم عصر دین جای خود را به عصر علم داده است. نکته دیگر اینکه بر فرض پذیرش مراحل ادعایی فریزر، او نمی‌تواند دلیلی اقامه کند که در مرحله جادو هیچ‌گونه گرایشی به خدا و دین وجود نداشته است و در مرحله گرایش به دین، هیچ‌گونه توجهی به علوم و قوانین تجربی نشده است.^{۲۸}

تبیین قربانی بنا به نظریه توتمی در منشأ دین

بنا به نظریه توتمی، برخی قبایل اصل و اساس خود را از یک حیوان خاص می‌پنداشتند و برای آن حیوان، تقدس و احترام خاصی قائل بودند.^{۲۹} نزد آنان شکار و خوردن حیوان توتمی حرام بود؛ اما همین حیوان، سالی یک‌بار طی مراسمی خاص، در حضور همه، قربانی و تقسیم می‌شد. آنها ضمن پرستش توتم، با خوردن گوشت قربانی، قدرت و حیات الوهی آن را دریافت می‌کردند.^{۳۰} رابرتسون / سمیت، قربانی در یهودیت را با توجه به حرمت خوردن خون قربانی (تابو بودن آن) تفسیر می‌کند.^{۳۱} فروید نیز، عشای ربّانی در مسیحیت را بر اساس این نظریه توضیح می‌دهد. او می‌گوید: «عشای ربّانی، گوشت و خون عیسی مسیح پسر خدا، به یاد به صلیب کشیده شدنش، خورده می‌شود. مسیح، کفّاره جرم ماقبل تاریخی برادرانش را می‌پردازد. در عین حال این کفّاره، بازسازی حادثه گذشته نیز هست. از آنجا که در کلام مسیحیت، پدر و پسر یکی هستند، آیین قدسی مرگ پسر، به صورت نمادین، آیین قدسی قتل پدر است؛ از این رو، عشای ربّانی در باطن خود، عشق و نفرت اودیپی را بازگو می‌کند.»^{۳۲}

اشکالات زیادی به این نظریه وارد شده است؛ برای مثال یکی از معتقدان به نظریه توتمی، دورکیم است. تفسیر او از توتمیسم به طور کلی ردّ شده است؛ زیرا نظریه او، مبتنی بر شواهدی است که از قبایل استرالیایی گزارش شده است؛ اما جالب است که یکی از همکاران دورکیم به نام ریچارد ژاستون، گزارش‌های نقل شده را به طور دقیق بررسی، و خلاف نظریه او را ثابت کرد. ژاستون نشان داد که دورکیم به بررسی دقیق قبایل استرالیایی نپرداخته است.^{۳۳}

تبیین قربانی بنا به نظریه ترس در منشأ دین

برخی منشأ دین را ترس عنوان می‌کنند. فروید معتقد است انسان در دوران کودکی، به هنگام ترس به پدر پناه می‌برد و وجود پدر به کودک، قوت قلب می‌دهد؛ اما هنگامی که بالغ می‌شود، ندای دین، کارکرد پدر را ایفا می‌کند. باورهای دینی، به جهان خدایی را فرافکنی می‌کند که در مواقع ترس و اضطراب، پناهگاه انسان می‌شود.^{۳۴}

بنا به این نظریه، قربانی هدیه‌ای خاص به خدایان است که هدف از آن، رهایی از خطرات، بدبختی‌ها و بیماری‌ها است و قربانی‌ها نه برای ایجاد رفاقت و همدلی با خدایان، بلکه برای در امان ماندن از بلاهای آنان بوده است.^{۳۵}

تبیین فروید از دین بر مبنای الگوی پدر- فرزند، ممکن است در نگاه نخست در زمینه مسیحی، موجه به نظر برسد؛ زیرا مسیحیان از خدای پدر سخن می‌گویند؛ ولی با کمی دقت روشن می‌شود که این الگو اصلاً قابل تعمیم به دیگر ادیان جهان نیست؛ برای مثال، در اسلام یا یهودیت، رابطه انسان با خدا، رابطه پدر و فرزندی نیست.^{۳۶} همیلتون در نقد نظریه فروید می‌نویسد: «گوناگونی دین در فرهنگ‌های متفاوت جهان چندان شدید است که احتمال وجود الگوی یک‌نواختی که از ویژگی‌های جهانی ماهیت بشر سرچشمه گرفته باشد، بسیار ضعیف است. برای مثال «ایزد بانوها» را در نظر آورید. خود فروید می‌پذیرد که «ایزد بانوها» به ادله آشکار، با نظریه او خوب وفق نمی‌دهد.»^{۳۷} از طرف دیگر، اگر منشأ دین ترس باشد، باید با از بین رفتن ترس، دین نیز از بین برود؛ در حالی که عملاً چنین نیست.

تبیین منشأ قربانی بنا به نظریه فطرت در منشأ دین

نظریه فطرت، یکی از نظریات خداگرایانه در منشأ دین است. نظریات خداگرایانه، این ویژگی را دارند که در مقام تبیین دین، وجود خدا را به عنوان اصل مسلم پذیرفته‌اند. نظریات خداگرایانه مختلفی در باب منشأ دین ارائه شده است؛ مانند ترس از نومن، کهن‌الگو، امر مقدس، علیت، فطرت و...؛ اما ما در اینجا برای طولانی نشدن بحث، فقط نظریه فطرت را بررسی می‌کنیم.

بنا به نظریه فطرت، خدای متعال در سرشت انسانی، خداجویی، خداخواهی و خداپرستی را به صورت یک شعور باطنی و گرایش قرار داده است. بنا به این نظریه، انسان

همواره به دین نیازمند است؛ هرچند در اوج بلوغ عقلی و علمی قرار گرفته باشد؛ زیرا خدا، امر فطری بشر است و تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد.^{۳۸} این فطرت در پرتو دین و شریعت شکوفا می‌شود و چون فطرت همیشه هست، شریعت و دین هم هست^{۳۹} و با گذشت زمان، از اهمیت شریعت کاسته نمی‌شود.

قربانی بنا به این نظریه، یکی از مناسک ادیان از طرف شارع مقدس (خداوند) و مطابق فطرت است و گذر زمان از ضرورت و اهمیت آن نمی‌کاهد. قربانی، عملی است که انسان با انجام دادن آن، تقرّب الهی را می‌جوید و ایمان خود را تقویت می‌کند و از آنجا که دیدگاه‌های دیگر در مورد منشأ دین نادرست است، نظریات آنها درباره منشأ قربانی نیز نادرست است.^{۴۰}

استاد مطهری در ردّ دیدگاه‌های منشأ دین می‌نویسد: «کسانی که ترس، جهل، امتیازات طبقاتی یا محرومیت‌های اجتماعی و... را منشأ مفاهیم دینی و توجه بشر به خدا دانسته‌اند، قبلاً چنین فرض کرده‌اند که عامل منطقی و عقلانی یا تمایل فطری و ذاتی در کار نبوده است؛ و الا با وجود عامل منطقی یا فطری، جای این‌گونه فرضیه‌ها نیست.»^{۴۱}

استاد مطهری در مورد منشأ دین بیان می‌دارد که اگر به دین به عنوان آنچه از ناحیه پیغمبران بر مردم عرضه می‌شود، نگاه کنیم، منشأ آن «وحی» است؛ ولی باید توجه داشت که اقتضای آموزه‌های پیامبران، در سرشت و ذات انسان‌هاست و پیامبران آمده‌اند تا استعدادهای درونی انسان را بارور کنند؛ از این رو، فطری بودن دین، به معنای مطابق بودن آن با نظام خلقت است.^{۴۲}

پیشینه قربانی

اولین قربانی گزارش شده در یهودیت، مسیحیت و اسلام، قربانی فرزندان آدم است.^{۴۳} در گزارش قرآن کریم و کتاب مقدس، ذکری از دستور خداوند برای قربانی نیست؛ تنها آمده است که هابیل و قابیل برای تقرّب به خداوند هدایایی را از گیاهان و حیوانات به درگاه خداوند آوردند. خداوند تنها قربانی هابیل را قبول کرد. علت قبولی قربانی هابیل، تقوا و صفای باطن او بود.^{۴۴} پس پیشینه قربانی به زمان حضرت آدم برمی‌گردد و قربانی، همان‌طور که از اسمش پیداست، جهت تقرّب به خداوند بوده است. قربانی‌ها شکل ساده و معقولی داشته‌اند؛ اما پس از انحرافات پیش آمده در دین، این آیین نیز دستخوش انحرافات

زیادی شد. قرآن کریم سرچشمه اختلاف و انحراف پدیدآمده در دین را حسادت، سرکشی و طغیان عالمان ادیان می‌داند.^{۴۵}

انحرافات در قربانی تا آنجا پیش رفت که برخی، دست به قربانی انسان‌ها زدند. خداوند متعال از طریق پیامبران این انحرافات را گوشزد کرده و از آنها نهی نموده است. کتاب مقدس، بنی اسرائیل را از اختلاط با فرهنگ‌های بیگانه برحذر داشته و آنها را به خاطر قربانی انسانی نکوهش کرده است.^{۴۶} قرآن کریم نیز با بیان قربانی حقیقی از بروز برخی انحرافات گذشتگان در قربانی جلوگیری کرده است. قرآن کریم بیان می‌دارد که برای خدا قربانی کنید (کوثر: ۲) و تنها از گوشت حیواناتی که با نام خدا ذبح می‌شوند، بخورید (انعام: ۱۱۸). همچنین خوردن گوشت قربانی‌هایی که بر روی سنگ‌های مورد پرستش ذبح شده‌اند، حرام است (مائده: ۳). بت پرستان، گوشت قربانی را نمی‌خوردند و معتقد بودند چون قربانی برای خداست، کسی حق خوردن آن را ندارد؛ از این رو، خون آن را بر دیوار کعبه می‌مالیدند و گوشت‌های قربانی را روی سنگ‌ها نهاده و در معرض خوراک درندگان می‌گذاشتند؛ اما اسلام برای زدودن تحریفات و خرافات جاهلی، امر به خوردن گوشت قربانی می‌کند (حج: ۳۶) و می‌فرماید: «خون و گوشت قربانی‌ها به خدا نمی‌رسد و تنها تقوای شما است که به خدا می‌رسد» (حج: ۳۷).

بیشترین انحرافات در قربانی، در «ادیان ابتدایی»^{۴۷} به چشم می‌خورد. مطالعه قربانی در ادیان ابتدایی به ما کمک می‌کند تا به پیشینه قربانی، اهداف و انگیزه‌های انسان‌ها برای قربانی و منشأ برخی قربانی‌های کنونی دست یابیم.

قربانی در ادیان ابتدایی

قربانی در ادیان ابتدایی، بر حسب موضوع، به خونی، غیرخونی و الوهی تقسیم می‌شود.^{۴۸}

قربانی خونی

اساس قربانی خونی، تصدیق خون به عنوان نیروی مقدس زندگی در انسان و حیوان است. با قربانی، حیات مقدس در قربانی به خدا برمی‌گردد و در نتیجه خدا، انسان و طبیعت زندگی می‌کنند.^{۴۹} قربانی خونی، شامل قربانی انسانی و حیوانی می‌شود. ویل دورانت معتقد است که رسم قربانی انسانی، نتیجه عادت مردم به آدم‌خواری بوده است؛ زیرا آنها می‌پنداشتند خدایان نیز، گوشت انسان‌ها را دوست دارند و این رسم - حتی پس از برافتادن آدم‌خواری - ادامه پیدا کرده است.^{۵۰}

گزارش‌ها حاکی است رسم قربانی انسانی در بیشتر ملت‌های جهان وجود داشته است؛ مادران کارتاژی^{۶۱} با افتخار، کودکان خود را تقدیم «مولوخ»^{۶۲} می‌کردند و آنها را زنده می‌سوزاندند.^{۶۳} مردم سوریه فرزندان خود را برای خدای خورشید قربانی می‌کردند.^{۶۴} در سومر سالیانه هزاران دوشیزه پیشکش معابد می‌شدند تا به وسیله کاهنان به خدایان تقدیم شوند.^{۶۵} در قبرس برای شادی آپولون^{۶۶} انسان را از صخره فرومی‌افکندند.^{۶۷} آریایی‌ها مردان و زنانی را که به هفتاد سالگی می‌رسیدند، قربانی می‌کردند و گوشت آنها را میان خویشاوندان تقسیم کرده، آن را می‌خوردند؛ ولی در بیک‌ها از خوردن گوشت زنان خودداری می‌کردند. شاید بر این باور بودند که با خاک‌سپاری زنان، مادر زمین (آناهیتا) را که حکم مادر جنس مؤنث را داشته است، از خود خشنود می‌سازند؛ در حالی که با خوردن گوشت مردان قربانی‌شده، نیروی جنگندگی و دلاوری وی را به خود انتقال می‌دهند.^{۶۸} هنگامی که امپراطور اینکاها (در امریکای جنوبی) درمی‌گذشت و در واقع به قلمرو پدرش خورشید بازمی‌گشت، خدمتکاران و زنان او را به احترام وی قربانی می‌کردند. گاهی این عزاداری‌ها، به بهای جان بیش از هزار نفر تمام می‌شد.^{۶۹} «سکاها»^{۷۰} نیز همراه شاه متوفی، یکی از زنان غیر عقدی او و دیگر خدمه او را با اسب و جواهرات وی دفن می‌کردند.^{۷۱}

با تکامل اخلاق بشری، عمده قربانی‌های انسانی، جای خود را به قربانی‌های دیگر دادند. برخی قبایل، به جای خود انسان، عضوی از او را قربانی و پیشکش خدایان می‌کردند؛ مانند اهدای انگشت، خون و مو، اخته کردن، ختنه کردن، و گاه اهدای بکارت خود در یک فحشای مقدس!^{۷۲}

هنگامی که پادشاه سکاها درمی‌گذشت، مردمان آنجا قسمتی از گوش خود را می‌بریدند و موهای خویش را می‌تراشیدند و شکاف‌هایی در بازوان خود ایجاد می‌کردند و پیشانی و بینی را می‌دریدند و زوبین‌هایی در دست چپ خود فرو می‌کردند؛ به طوری که از سوی دیگر بیرون آید تا بدین وسیله خون ریخته‌شده را نثار خدای خود سازند و برای پادشاه آمرزش طلب کنند.^{۷۳} در استرالیا نثار انگشت به خدایان مرسوم بود.^{۷۴} دوشیزگان پرستنده فینیقی، خود را به نخستین کسی که در معبد از آنان درخواست هم‌خوابگی می‌کرد، تسلیم می‌کردند تا خون بکارت آنان، سنگ‌فرش قربانگاه را رنگین سازد و از این راه خدای یادشده را از خود راضی سازند.^{۷۵} در سوریه پس از پایان جشنی، برخی برای اینکه

وفاداری همیشگی خود را به الاهی صاحب جشن ثابت کنند، خود را اخته می‌کردند.^{۶۶} همچنین در مواردی، به جای جان کودک، پوست ختنه‌گاه او را تقدیم خدایان می‌کردند یا کاهنان مبلغی پول را در بهای همین پوست از طرف خدایان می‌پذیرفتند.^{۶۷}

هنگامی که اخلاق بشری، تکامل بیشتری پیدا کرد، قربانی‌های حیوانی و نمادین،^{۶۸} جایگزین قربانی انسانی شد.^{۶۹} در یکی از الواح سومر آمده است: «بره، جانشین و فدیۀ آدمی است.»^{۷۰} مصری‌های باستان که هنگام مرگ یکی از فراعنه، تعداد بی‌شماری از رؤسا، زنان، فرزندان، بردگان، کنیزان و کسانی از اصناف گوناگون را کشته، در گور او می‌نهادند تا در جهان دیگر، به ارباب والامقام خود خدمت کنند، کم‌کم از این کشتار ناهنجار دست برداشتند و به جای کشتن مردمان، پیکره‌ها و مجسمه‌هایی ساخته، به جای زندگان در گور فراعنه می‌نهادند؛ به این گمان که این پیکره‌ها به وسیله خدایان، جانی خواهند گرفت و به خدمت ارباب خواهند ایستاد.^{۷۱} سرخ‌پوستان امریکای شمالی نیز، آیین‌های قربانی را تعدیل کرده، به آیین‌های نمادین تبدیل ساختند. هنرمندان برای این کار، از چوب، سری کاملاً شبیه سر آدمی می‌تراشیدند؛ به گونه‌ای که در آن، شباهت با اصل، کاملاً رعایت شود. در این قربانی نمادین، فردی را به عنوان قربانی به نمایش درمی‌آوردند و طی مراسم، سر دروغین وی را از تن جدا می‌ساختند.^{۷۲}

البته برخی، زمان، شکل، کیفیت و نوع قربانی را متأثر از شرایط اقتصادی می‌دانند و علت جایگزینی قربانی‌ها را نیز، مشکلات اقتصادی عنوان می‌کنند.^{۷۳}

قربانی غیرخونی

قربانی غیرخونی در ادیان ابتدایی، شامل خوراکی‌ها (میوه‌ها، سبزی‌ها، دانه‌های گیاهی، مایعات به ویژه آب و شراب)، اشیا و حتی حیوانات موقوفه می‌شد. فروید معتقد است: «قربانی نباتی که از اهدای میوه‌های نوبر سرچشمه گرفته است، درحقیقت مظهر مالیاتی بوده که به صاحب خاک و سرزمین پرداخت می‌شده است.»^{۷۴} آشوریان برسر مقابر پدران و اجداد خود، جرعه‌ریزی می‌کردند. میان هندوها نیز این عمل به قصد تطهیر و تهذیب جاری بوده است. عرب‌ها اغلب مانند اقوام سامی، خون قربانی‌های خود را برای این عمل به کار می‌بردند یا مانند فینیقیان، شیر را به این منظور استعمال می‌کردند. بعدها به جای خون، از شراب که آن را خون انگور می‌نامیدند، استفاده می‌کردند.^{۷۵}

قربانی الوهی

در دوره‌هایی، از قربانی خدایان گزارش شده است؛ یعنی خود خدایان موضوع قربانی بوده‌اند. عمده این گزارش‌ها از هند است. نمونه آن در متون براهمنه دیده می‌شود: «خدایان توسط قربانی به بهشت نایل می‌شوند.»^{۷۶} نمونه دیگر، خدای ایرانیان اولیه «زوروان» است که برای مدت هزارسال قربانی کرد تا صاحب پسری شود که دنیا را خلق کند.^{۷۷} برخی بر این باورند که قربانی به وسیله انسان، تقلیدی از قربانی اولیه است که در ایجاد نظم کیهانی نقش داشته است.^{۷۸}

تفاوت قربانی الوهی با دیگر قربانی‌ها در این است که در قربانی‌های دیگر، پیشکش چیزی از الوهیت را در خود داشت، اما در قربانی الوهی، پیشکش با خدا همسان می‌شود.^{۷۹}

انگیزه‌های قربانی در ادیان ابتدایی

در ادیان ابتدایی، قربانی با انگیزه‌هایی گوناگون انجام می‌گرفت. برخی از این انگیزه‌ها، عبارت بودند از: ستایش و سپاسگزاری از خدایان، التماس و درخواست از خدایان، جلب رضایت و فرونشاندن خشم خدایان، کفاره گناهان، رستگاری در دنیای دیگر، هم‌سفره شدن با خدایان، پیشگویی و پیش‌بینی حوادث آینده و تبرک مجالس. البته گاهی چند انگیزه یا همه آنها، در یک قربانی جمع می‌شد.^{۸۰}

در رم، در زمان کنسولی کامیل (قرن ۴ ق.م) پس از رفع اختلاف میان مجلس سنا و مردم، جشنی آراستند و در تمام پرستش‌گاه‌ها، قربانی‌هایی به منظور ستایش خدایان انجام دادند.^{۸۱} سلت‌ها^{۸۲} نیز، برای شکرگزاری و حق‌شناسی از خدایان باروری، قربانی انسانی انجام می‌دادند. قربانیان، عبارت بودند از زنان جوان، کودکان خردسال، اسیران جنگی، دزدان، راه‌زنان و آدم‌کشان که آنان را دستگیر و به کاهنان تسلیم می‌کردند تا در روز معینی قربانی کنند.^{۸۳} گروهی بر این باور بودند که اگر شخصی در این دنیا قربانی شود، یا خودکشی کند، در زندگی بعدی، فردی خوش‌بخت، آزاد و شریف متولد خواهد شد. از این رو برای این افراد، رفتن به قربانگاه، گذر از خانه سختی و ورود به خانه سعادت بود.^{۸۴} الگون‌کوئین‌ها، یکی از قبایل سیاه‌پوست امریکایی نیز، خود را می‌کشتند تا در زندگی بعدی، فردی خوش‌بخت و آزاد باشند.^{۸۵} یونانیان معتقد بودند با قربانی کردن، خدایان را به مهمانی فرامی‌خوانند و از حضور آنان لذت می‌برند و به برکت نیروی آنها، به

نیروی خود می‌افزایند. به همین دلیل شراب را نخست روی قربانی و سپس در پیاله‌های خود می‌ریختند و وانمود می‌کردند که خدایان با آنان شراب نوشیده‌اند.^{۸۶} فینیقیان به منظور بر سر مهر آوردن مولوخ و فرونشاندن خشم او، نخستین فرزندان خویش را در دل سوزان این خدای کودک‌خوار می‌افکندند.^{۸۷} اهالی صربستان هنگام احداث بناهای بزرگ و معابد، زنی را قربانی کرده، در پی ساختمان دفن می‌کردند تا خدایان به خشم آمده، اقدام به تخریب بنا نکنند.^{۸۸} مردمان استرالیا در برابر هر گناهی که مرتکب می‌شدند، بندی از انگشتان خویش را نثار خدایان می‌کردند و یا زخم‌هایی را به خود وارد می‌ساختند.^{۸۹} در رم، اگر زنی پیش از انقضای عده در صدد ازدواج برمی‌آمد، برای بخشایش گناه، بایستی گاوی را قربانی کند.^{۹۰} در سواحل شمالی کشور پرو، هر خانواده‌ای برای برآورده شدن حاجات خود، نذر می‌کرد که یکی از دختران خردسال خود را وقف معبد نماید یا در راه خدای ماه قربانی کند. دخترانی که تقدیم معبد می‌شدند، مقدّس بودند. از این جهت همگان موظف بودند به آنها احترام بگذارند و هیچ کس جز شاه و کاهنان، حق بهره‌مندی جنسی از آنها را نداشت.^{۹۱} بعضی اقوام نیز، برای برداشت محصول بهتر، مردی را می‌کشتند و خونس را هنگام بذرافشانی بر زمین می‌پاشیدند. هنگامی که محصول می‌رسید و موسم درو می‌شد، آن را تعبیری از تجدیدحیات مرد قربانی شده می‌دانستند.^{۹۲} روس‌ها - همانند یونانیان و مصریان باستان - هنگامی که به کارهای بزرگ می‌پرداختند، برای اینکه حوادث آینده را پیشگویی و پیش‌بینی کنند، از روی احشاء و امعاء قربانی تغال می‌زدند.^{۹۳} در آتن برای تبرک مجالس عمومی، خوکی را قربانی می‌کردند.^{۹۴}

آداب قربانی در ادیان ابتدایی

آیین قربانی در ادیان ابتدایی، آدابی ویژه داشت. توجه به این آداب، در فهم جایگاه و منزلت قربانی در این ادیان کمک می‌کند. در این بخش به برخی از این آداب، از جمله: زمان قربانی، مکان قربانی، قربانی‌کننده، قربانی‌شونده، کیفیت قربانی و... اشاره می‌کنیم. بعضی قربانی‌ها متصلی ویژه داشت و می‌بایست به وسیله شخص خاصی انجام می‌گرفت؛ وگرنه ممکن بود سر مویی اشتباه شود و در نتیجه، خدایان گوشت قربانی را بخورند، اما نیاز قربانی‌کننده را برآورده نسازند.^{۹۵} برخی قربانی‌ها، مکان خاصی داشتند؛ مثلاً می‌بایست حتماً در قربانگاه و معبد انجام

می‌شد؛ ولی برخی دیگر از قربانی‌ها، مکان خاصی نداشتند و امکان بجاء آوردن آن در خانه و هر جای دیگری وجود داشت.

در چگونگی انتخاب قربانیان، میان اقوام و ملل مختلف تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در سوریه، عذای نذر قربانی می‌شدند و یا داوطلبانه خود را تسلیم قربانگاه می‌کردند.^{۹۶} در بعضی اقوام (مثل اینکاها و مایاها در امریکای جنوبی)، می‌کوشیدند تا قربانیان از افراد جوان، سالم و زیبا انتخاب شوند.^{۹۷} برخی، غرق‌شدگان و اسیران جنگی را تقدیم خدایان می‌کردند^{۹۸} و برخی، محکومان به اعدام را قربانی می‌کردند.^{۹۹} برخی دیگر، فرزندان مردم تهی دست را خریداری و قربانی می‌کردند.^{۱۰۰} برخی نیز با به راه انداختن جنگ، در اسیر گرفتن برای قربانی می‌کوشیدند.^{۱۰۱}

حیوان قربانی نباید عیبی می‌داشت؛ حیوان قربانی می‌بایست سالم باشد؛ زیرا حیوان معیوب، شایسته خدایان نبود. کاهن قربانی‌کننده، تمام بدن قربانی - حتی زبان حیوان - را برای مطمئن شدن از سلامتی آن، بررسی می‌کرد. در برخی قبایل، اگر کسی حیوان معیوبی را قربانی می‌کرد، محکوم به مرگ بود.^{۱۰۲}

یونانیان هنگام پیمان بستن، از سر حیواناتی که قرار بود قربانی شوند، موهایی جدا می‌کردند و آن را میان سرکردگان پخش می‌کردند و خدایان را بر این پیمان گواه می‌گرفتند.^{۱۰۳} در رم، هنگام سوگندهای بزرگ، مردی را قربانی می‌کردند و تمام کسانی که متعهد می‌شدند، دست خود را در خون او آغشته می‌کردند و جرعه‌ای از خونس را می‌آشامیدند.^{۱۰۴} در برخی قبایل، هنگام آغاز زمستان که فصل غیبت خورشید بود، برای خدای خورشید مراسمی بر پا می‌کردند. کاهن اعظم، واسطه بین خدا و مردم بود و در ازای قربانی، برای مردم فراوانی محصول را درخواست می‌کرد. کاهن، سینه انسان قربانی را با دشنه‌ای بیرون می‌آورد و آن را تقدیم خدای خورشید می‌کرد. خدای خورشید نیز، الهاماتی به کاهن می‌کرد. انسان قربانی‌شده، طی مراسمی به عنوان نماینده و نظرکرده خورشید خدا، بین مردم توزیع می‌شد. آنها گاهی قربانیان را درون چاهی می‌انداختند و پس از آن، اشیایی گرانبها از طلا، فیروزه و دیگر جواهرات را به درون چاه می‌انداختند.^{۱۰۵}

در برخی مراسم، قربانی‌ها و افراد شرکت‌کننده، آرایش‌های خاصی داشتند. مراسم به همراه رقص، پای‌کوبی و باده‌گساری بود و بر این عقیده بودند که بدین وسیله جلب نظر

خدایان کرده، نیرویی از نیروهای خدایان را جلب می‌کنند. بدن قربانی هنوز جان داشت که موی سر و یک چشم او را کنده، به خدا پیشکش می‌کردند و منتظر پذیرفتن قربانی از سوی خداوندگار می‌ماندند. نشانه پذیرفته شدن قربانی، اولین پرنده‌ای بود که در آسمان مشاهده می‌شد. در این صورت همه با رضایت خاطر، نوید پیروزی را دریافت می‌کردند؛ زیرا پرنده فوق را پیک خدایان می‌پنداشتند.^{۱۰۶} در برخی قبایل نیز، پیش از قربانی روزه می‌گرفتند و بعد از آن، قربانی را به عنوان بلاگردان خود به خدایان تقدیم می‌کردند.^{۱۰۷} قربانی با کیفیت‌های گوناگون تقدیم می‌شد؛ گاهی با ریختن خون و نثار کردن بود؛ گاهی قربانی را می‌سوزاندند و گاهی آن را دفن می‌کردند. سوزاندن قربانی در میان یهودیان قدیم و یونانیان معمول بوده است. شاید غرض از سوزاندن قربانی، آن بوده که بوی سوختگی و دود آن به مشام خدایان برسد. دفن قربانی برای جلب نظر و تقرّب به خدایان زیرزمینی بوده است. در بعضی ادیان و اقوام، چگونگی کشتن قربانی، اولین اولویت را داشته است.^{۱۰۸} گاهی حیوانات را نمی‌کشتند؛ بلکه آنها را وقف خدایان می‌کردند می‌کردند و سپس در مکانی مقدّس، زنده رهایشان می‌کردند؛ البته به این موقوفات، بیشتر عنوان پیشکشی داده می‌شود تا قربانی.^{۱۰۹}

آزتک‌ها در مکزیك، قربانی را به چلیپایی میخ‌کوب می‌کردند تا به تدریج جان بسپارد. سپس گوشتش را قطعه‌قطعه کرده، میان مردم تقسیم می‌کردند.^{۱۱۰} آنها قربانیان را به شدیدترین صورت شکنجه می‌کردند؛ به طوری که تمام بدن آنان شکست می‌شد و دیدگان‌شان از حدقه بیرون افتاد. تمام اینها بدین منظور بود که شهامت، بردباری و آمادگی‌شان را محک بزنند که آیا لایق این شأن عظیم و ارتقای مرتبت والا هستند یا نه.^{۱۱۱} در میان پاره‌ای قبایل و جوامع، پس از کشتن قربانی، نوشته‌ای با امضای کاهن معبد به دست قربانی داده می‌شد که گواهی‌نامه ورود به بهشت بود.^{۱۱۲}

در برخی ادیان، پس از قربانی حیوان یا انسان، نوعی پوزش‌خواهی از قربانی به عمل می‌آمد؛ مصری‌ها پس از مراسم قربانی، به گریه و زاری می‌پرداختند. برخی علاوه بر گریه، زخم‌هایی نیز به خود می‌زدند.^{۱۱۳} علت سوگواری، ترس از مجازاتی بود که تهدیدشان می‌کرد و می‌خواستند از مسئولیت قتلی که مرتکب شده‌اند، فرار کنند؛^{۱۱۴} به همین دلیل در

پاره‌ای از نقاط، قربانی‌کننده به محض قربانی‌کردن، پا به فرار می‌گذاشت. در آتن، پس از قربانی، گناه قربانی‌کردن را به گردن چاقو می‌انداختند و آن را به دریا پرتاب می‌کردند.^{۱۱۵} در بعضی ادیان ابتدایی، رسم بر این بود که قربانی را پس از تقدیم و پیشکشی می‌خوردند. ویل دورانت در مورد علت این عمل می‌نویسد: «مردمان ابتدایی بر این باور بودند که فضایل هر موجودی با خوردن آن به انسان منتقل می‌شود؛ در نتیجه به این فکر افتادند که خدایان خود را نیز بخورند. بسیاری از اوقات، شخصی را انتخاب کرده، او را خوب می‌پروراندند. آنها به او عنوان خدایی می‌دادند تا بعد او را بکشند و خورش را بیاشامند و از گوشتش تناول کنند. هنگامی که غذای انسان‌ها، حالت تأمین‌شده‌تری به خود گرفت، مهربانی بیشتری به دل آنها راه یافت و به جای قربانی‌کردن خدا، به این قناعت ورزیدند که چیز مأكولی را به عنوان رمز و مثال او بسازند و آن را بخورند. در مکزیک قدیم، مجسمه‌ای از خدا با حبوبات می‌ساختند و کودکانی را کشته، خورشان را بر آن می‌پاشیدند و آن را به جای خدا می‌خوردند. در هنگام انجام تشریفات، کاهن اوراد سحری را می‌خواند تا مجسمه خدایی را که بناست خورده شود، به خدای واقعی تبدیل شود.»^{۱۱۶}

اما فریود معتقد است که اعضای کلان با خوردن توتم به ترکیه نفس می‌پرداختند و اتحاد بین خود و هم‌قبیله‌ای‌ها از یک‌طرف، و همه افراد قبیله با خدا را از طرف دیگر، مستحکم می‌کردند؛^{۱۱۷} زیرا آنها فکر می‌کردند که از این غذا، خون درست می‌شود و این خون، طی هم‌غذایی به تن همه شرکت‌کنندگان در تناول غذا جریان می‌یابد و آنها را متحد می‌کند.^{۱۱۸}

بقایای قربانی‌های ابتدایی در دوران معاصر

با بررسی و مطالعه قربانی در ادیان گوناگون می‌توان ریشه برخی عقاید و قربانی‌های کنونی را پیدا کرد. متأسفانه به رغم تلاش حکیمان و پیشوایان دینی برای براندازی چنین عقایدی، باز این عقاید در گوشه و کنار جهان به حیات خود ادامه داده‌اند. در هند از قربانی انسانی گزارش شده است.^{۱۱۹} در افریقا، قربانی انسانی تا روزگار امروز دوام آورده است.^{۱۲۰} قبیله‌ای در تایلند بر این عقیده‌اند که باید دختری زیبا و باکره که بیشتر از چهارده سال نداشته باشد را در یکی از روزهای سال برای خدایشان قربانی کنند. هدف آنها از این قربانی، امنیت، حفظ حیات خود و دیگران، شفای بیماری‌ها و... است.^{۱۲۱} شاردن فرانسوی

در سفرنامه خود به رواج بخشی از عقاید اقوام ابتدایی در میان مردمان کلشید (ایالتی هم‌جوار گرجستان) اشاره می‌کند: «هنگام بیماری، مردم کشیشان را بر بالین خود می‌خوانند و از او سبب بیماری خویش را می‌پرسند. کشیش هم چند بار کتابش را ورق می‌زند و پس از چند لحظه تأمل، می‌گوید فلان تصویر (مقدس) نسبت به تو خشمگین و متغیر شده است. برای فرونشاندن خشم و رضایت خاطر او باید گوساله یا گاوی را قربانی کنی. همچنین به او یک فنجان نقره یا یک قطعه پارچه ابریشمی تقدیم کنی؛ وگرنه دیری نمی‌گذرد که می‌میری. بیمار نیز به قید قسم قول می‌دهد که همه این کارها را انجام دهد.»^{۱۲۲}

او همچنین می‌نویسد: «برای تطیر و تفال، هنگام قربانی گاو، تمام حرکات و سکنات حیوان را مورد توجه و دقت خاصی قرار می‌دهند؛ مثلاً اگر هنگام قربانی، گاو سرکشی نموده، شاخ بزند و تسلیم نشود، می‌گویند که در آن سال جنگ و خونریزی خواهد شد. اگر تپاله بیاندازد، پیش‌بینی می‌کنند که نعمت و فراوانی سراسر کشور را فراخواهد گرفت و در صورتی که ادرار کند، محصول شراب خیلی زیاد خواهد شد...؛ اما با وجود اینکه همیشه این پیشگویی‌ها غلط از آب درمی‌آید، باز مردم ساده‌لوح این ترهات را همچون وحی منزل، حقیقت می‌پندارند.»^{۱۲۳}

برخی معتقدند رسم آب‌پاشیدن پشت سر مسافر نیز که گاهی گل یا گیاهی به آن اضافه می‌کنند، از بقایای رسم قربانی و پیشکشی آب به خدای زمین است.^{۱۲۴}

جای دوری نرویم؛ بعضی از مردم ما نیز اعتقادات خاصی دارند. برخی معتقدند اگر در یک سال دو نفر از یک خانواده از دنیا بروند، باید در قبرستان مرغ یا خروسی کشته، بین قبر آن دو خاک کرد تا قبرستان قربانی دیگری از این خانواده نگیرد. برخی بر این باورند که هنگام آهن‌ریزی ساختمان باید خونی پای آهن ریخته شود؛ وگرنه این ساختمان قربانی خواهد گرفت. برخی نیز معتقدند هنگام خرید ماشین، باید تخم مرغ یا خون حیوان قربانی شده را بر چرخ و بدنه ماشین تازه خریداری شده مالید، تا ماشین خونی نگیرد.

نتیجه‌گیری

۱. آیین قربانی، یکی از جلوه‌های پرستش به شمار می‌آید که در اغلب ادیان گذشته و حال مشاهده می‌شود.

۲. آیین قربانی، برخواسته از حس فطری پرستش است. انسان‌ها با تقدیم هدیه و قربانی کوشیده‌اند تا خشنودی خدا (یا خدایان) را جلب کرده و از خشم و غضب آنها جلوگیری کنند.

۳. آیین قربانی، در برخی ادوار و ادیان دستخوش انحرافات شد، تا آنجا که برخی فرزندان دل‌بند خود را به عنوان بهترین هدیه قربانی خدایان خود کرده‌اند.

۴. پیامبران تلاش زیادی در زدودن انحرافات از آیین قربانی کرده‌اند؛ اما باز رگه‌هایی از این انحرافات در دنیای معاصر قابل مشاهده است.

1. Henninger, Joseph, "sacrifice", in: *The Encyclopedia of religion*, p. 554.
۲. غلامحسین مصاحب، *دائرةالمعارف فارسی*، ص ۲۵۳۳.
3. Offering
4. Henninger, Ibd, p. 554.
5. James: 1
۶. عبادت در عهد عتیق نیز، معنایی مشابه همین دارد (ر.ک: *دائرةالمعارف الکتبیه*، ص ۱۶۵).
۷. ر.ک: ترنس استیس والتر، *دین و نگرش نوین*، ترجمه احمدرضا جلیلی.
۸. محمدجواد باهنر، *معارف اسلامی*، ص ۷۰.
9. Evolutionary theory
10. Auguste Comte
- 11 C.f. Mazlish, Bruce, "Comte, Auguste", in: *The Encyclopedia of Philosophy*, p. 174.
۱۲. جان بی‌ناس، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۲۲.
۱۳. مرتضی مطهری، *علل گرایش به مادیگری*، ص ۶۵-۶۶.
14. animism
15. Edward Burnett tylor
۱۶. ر.ک: دانیل پالس، *هفت نظریه در باب دین*، ترجمه و نقد محمدعزیز بختیاری، ص ۴۸-۵۱.
17. Homage
18. Abnegation
19. Tylor, "Primitive Culture", in: *Understanding Religious Sacrifice*, p. 13.
۲۰. ملکم همیلتون، *جامعه شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۴۶-۴۷.
21. James George Frazer
۲۲. دانیل پالس، همان، ص ۱۱۶.
۲۳. در قرآن آمده است که فرعون می‌گفت: من خدای برتر هستم (نازعات: ۲۴) و غیر از من، خدایی وجود ندارد (قصص: ۳۸). او مدعی بود که رود نیل به اراده او جریان دارد (زخرف: ۵۱).
۲۴. دانیل پالس، همان، ص ۶۴.
۲۵. مراسم «میرنوروزی» نیز در ایران باستان بدین منظور انجام می‌گرفته است. طبق این آیین، هنگام نوروز، امیر یا حاکم به منظور دفع شر و رفع هرگونه بدآمدهایی که در سال جدید ممکن بود دچار آن شود، بر حسب ظاهر، از امیری یا پادشاهی خود دست می‌کشید و به جای وی، پادشاه موقت دیگری می‌نشانند. این شخص طی پنج روز نخستین از جشن نوروزی، حکومتی صوری می‌کرد و به عزل و نصب، توقیف و زندانی و جریمه و مصادره اموال هرکسی که مایل بود، می‌پرداخت و پس از سپری شدن روزهای یادشده، شاه موقت به قتل می‌رسید (قربانی می‌شد) و شهریار واقعی به مقر حکومت خود باز می‌گشت (علی‌اصغر مصطفوی، اسطوره قربانی ص ۷۵-۷۶).
26. Pawnee Indians.
27. William Robertson Smith, "The Religion of the Semites", in: *Understanding Religious Sacrifice*, p. 61.
۲۸. ر.ک: سیداکبر حسینی و امیر خواص، *منشأ دین بررسی و نقد دیدگاه‌ها*، ص ۱۰۸.
۲۹. ر.ک: ریمون آرون، *مراحل اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، ص ۳۷۵ به بعد.
۳۰. دانیل پالس، همان، ص ۱۶۷.

31. Zoe Petropoulou, Maria, *Animal Sacrifice in Ancient Greek Religion, Judaism, and Christianity 100 BC-AD 200*, p. 17-18.

۳۲. دانیل پالس، همان، ص ۱۱۴.

۳۳. ر.ک: علیرضا قائمی نیا، *درآمدی بر منشأ دین*، ص ۸۶.

۳۴. دانیل پالس، همان، ص ۱۱۶.

35. Evans-Prichard, E.E., "The Meaning of Sacrifice among the Nuer", in: *Understanding Religious Sacrifice*, p. 194.

۳۶. علیرضا قائمی نیا، همان، ص ۹۶.

۳۷. ملکم همیلتون، همان، ص ۱۱۳.

۳۸. ر.ک: روم: ۳۰.

۳۹. ر.ک: محمدحسن قدردان قراملکی، «جاودانگی شریعت و ملاک‌های آن»، *فقه و حقوق*، ش ۳.

۴۰. این بود خلاصه‌ای از چند نظریه در باب قربانی، اما نظرات دیگری نیز در مورد قربانی وجود دارد که بررسی آنها خارج از هدف این نوشتار است. از نظرات دیگر در مورد قربانی می‌توان «یادآوری حوادث خلقت آغازین» را نام برد. طبق اسطوره‌ای، ابتدا خدایان (به صورت انسان یا حیوان یا گیاه) در روی زمین زندگی می‌کردند که برجسته‌ترین آنها خدایان دما (Dema-deities) بودند؛ ولی سرانجام دما خدا را کشت و با این حادثه، جهان کنونی پدید آمد. دما به شکل انسان‌ها، فناپذیر و تکثیرشونده درآمد. از این پس خدا یا در قلمرو مردگان وجود دارد یا خودش را در خانه مردگان منتقل می‌کند. از بدن خدا، گیاهان پدید آمدند؛ از این رو، خوردن گیاهان، خوردن خداست. خدای اعلی اغلب شکل حیوان دارد؛ از این رو، قربانی، یادآور کشته‌شدن خداست.

Jensen, A.E., "From Myth and Cult among Primitive Peoples", in: *Understanding Religious Sacrifice*, p. 182-183.

۴۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ص ۳.

۴۲. ر.ک: مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ص ۶۰۱-۶۰۲.

۴۳. ر.ک: سفر پیدایش: ۴: ۳-۷؛ مائده: ۲۷.

۴۴. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۴۸.

۴۵. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۴۶. ر.ک: لاویان ۲۰: ۱-۳؛ لاویان ۱۸: ۲۱؛ لاویان ۲۰: ۵-۲؛ تثبیه ۱۲: ۳۱؛ مزامیر ۱۰: ۳۹-۳۸؛ اشعیا ۵۷: ۷-۳؛ ارمیا ۷: ۳۱.

۴۷. برخی محققان رشته تاریخ ادیان، ادیان را به «ابتدایی» و «پیشرفته» تقسیم کرده‌اند. ادیان ابتدایی متعلق به انسان‌ها و اقوام ابتدایی است و مهم‌ترین ویژگی آنها، داشتن نظام الهیاتی ساده است. در این ادیان، بیشتر، مظاهر طبیعت پرستیده می‌شود و انسان‌ها در پی تسخیر نیروهای طبیعی برای تأمین زندگی دنیایی و دفع بلاهای طبیعی هستند؛ اما ادیان پیشرفته، برخلاف آنهاست؛ آنها دارای نظام الهیاتی پیچیده‌ای هستند و بیشتر به موجود یا موجودات فراتر از طبیعت توجه دارند. انگیزه اصلی آنها، نجات و رستگاری در زندگی دیگر است. ادیان پیشرفته که در جهان پیروان زیادی دارند، «ادیان زنده» خوانده می‌شوند که عبارتند از: یهودیت، مسیحیت، هندوئیسم، بودیسم، جین، سیک، زرتشت، لائوتسه، کنفوسیوس و شینتو؛ اما آن دسته از ادیانی که در گذشته پیروانی داشته‌اند

و اما امروزه پیروی ندارند، «ادیان قدیم» یا «خاموش» نامیده می‌شوند (عبدالرحیم سلیمانی، *ادیان ابتدایی و خاموش*، ص ۱۶).

48. Faherty, Robert L., "sacrifice", in: *The New Encyclopedia Britanica*, p. 793.

49. Ibid.

۵۰. ویلیام جیمز دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۱، ص ۸۱.

۵۱. کارتاز: شهر قدیمی در ساحل شمالی افریقا، کنار خلیج تونس.

۵۲. مولوخ یا مولک: یکی از خدایان ملل سامی بود که مردم فرزندان خود را زنده‌زنده در برابر ضریح او - به عنوان قربانی - می‌سوزاندند (ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۸۱).

۵۳. حسن پیرنیا، *ایران باستان*، ص ۱۴۵۵.

۵۴. ویلیام جیمز دورانت، همان، ص ۱، ص ۳۴۸.

۵۵. علی اصغر مصطفوی، *اسطوره قربانی*، ص ۱۰۱.

۵۶. آپولون پروردگار شعر، هنرهای زیبا، کمان‌داری، پزشکی، خدای آفتاب و حامی غیب‌گویان (هومر، ایلیاد، ص ۴۴ پاورقی).

۵۷. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۲، ص ۲۱۵.

۵۸. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۷۳.

۵۹. مارسل نیدرکانگ، *بیست کشور امریکای لاتین*، ترجمه محمد قاضی، ص ۳۸۴.

۶۰. سکاها بیابانگردانی در کنار دریای سیاه بودند. آنها از قبایل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بودند (ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۳۳۶).

۶۱. عباس قدیانی، *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*، ص ۶۸.

62. Henninger, Ibid, p. 546.

۶۳. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۱۷۴.

۶۴. همان، ص ۱۷۳.

۶۵. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۳۴۵.

۶۶. همان، ص ۳۴۷.

۶۷. همان، ص ۳۴۸.

68. Pictorial representations

69. Henninger, Ibid, p. 546.

۷۰. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۷۱. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۱۴۶.

۷۲. همان، ص ۱۷۴.

73. Faherty, Ibid, p. 788.

۷۴. زیگموند فروید، *توتم و تابو*، ترجمه ایرج پورباقر، ص ۲۲۰.

۷۵. غلامحسین صدیقی، «جرعه فشانی بر خاک»، *یادگار*، ش ۸، ص ۴۹.

76. Faherty, Ibid, p. 793.

77. Ibid.

78. Henninger, Ibid, p. 545.

79. Faherty, Ibid, p. 794.

80. Henninger, Ibid, p. 549

۸۱. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۴۰.

۸۲. سلتها نخستین بار در هزاره دوم پیش از میلاد در قسمت جنوب غربی آلمان و شمال فرانسه پیدا، و به سرعت در سراسر اروپا پراکنده شدند.

۸۳. همان، ص ۱۷۶.

۸۴. همان، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۸۵. همان، ص ۱۷۹.

۸۶. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۲، ص ۱۸۰.

۸۷. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۱۸۰.

۸۸. همان، ص ۱۷۲.

۸۹. همان، ص ۱۷۴.

۹۰. همان، ص ۴۰.

۹۱. همان، ص ۱۴۴.

۹۲. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۸۰.

۹۳. همان، ج ۳، ص ۷۱.

۹۴. همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۹۵. همان، ج ۱، ص ۲۸۳.

۹۶. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۱۷۰.

۹۷. همان، ص ۱۴۸-۱۶۶.

۹۸. همان، ص ۱۷۸.

۹۹. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۱۰۰. همان، ج ۳، ص ۵۰.

۱۰۱. همان، ۱۶۳.

۱۰۲. حسین لسان، «قربانی از روزگار کهن تا امروز»، هنر و مردم، ش ۱۶۵ و ۱۶۶، ص ۲۱-۲۲.

۱۰۳. همان، ص ۲۰.

۱۰۴. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۴۰.

۱۰۵. همان، ص ۱۶۶-۱۶۸.

۱۰۶. همان، ص ۱۷۲.

۱۰۷. حسین لسان، همان، ص ۲۲.

۱۰۸. غلامحسین مصاحب، همان، ص ۲۵۳۳.

109 Henninger, Ibid, p. 546.

-
۱۱۰. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۱۶۲.
۱۱۱. همان، ص ۱۶۳.
۱۱۲. همان، ص ۱۷۹.
۱۱۳. حسن پیرنیا، همان، ص ۵۱۲.
۱۱۴. زیگموند فروید، همان، ص ۲۳.
۱۱۵. همان، ص ۲۲۵-۲۲۶.
۱۱۶. ویلیام جیمز دورانت، همان، ج ۱، ص ۸۱.
۱۱۷. زیگموند فروید، همان، ص ۲۳۱.
۱۱۸. همان، ص ۲۲۶.
۱۱۹. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۵۱.
۱۲۰. همان، ص ۱۴۳.
۱۲۱. برای مشاهده عکس‌های این مراسم و جزئیات بیشتر، ر.ک:
<http://www.best-ir8.com/ftopicp-1004961.html>
۱۲۲. ژان شاردن، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ص ۱۵۵-۱۵۶.
۱۲۳. شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، ص ۳۱۷-۳۱۸.
۱۲۴. علی اصغر مصطفوی، همان، ص ۲۲.

منابع

- کتاب مقدس، انجمن کتاب مقدس.
- آرون، ریمون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- استیس والتر، ترنس، *دین و نگرش نوین*، ترجمه احمد رضا جلیلی، ویراسته مصطفی ملکیان، تهران، حکمت، ۱۳۷۷.
- باهنر، محمدجواد، *معارف اسلامی*، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
- بی.ناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- پالس، دانیل، *هفت نظریه در باب دین*، ترجمه و نقد محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
- پیرنیا، حسن، *ایران باستان*، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۲.
- حسینی، سیداکبر و خواص امیر، *منشأ دین بررسی و نقد دیدگاه‌ها*، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.
- دائرةالمعارف الکتبیه*، ج ۵، قاهره، دارالتقافة، ۱۹۹۶.
- دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- سلیمانی، عبدالرحیم، *ادیان ابتدایی و خاموش*، قم، آیات عشق، ۱۳۸۲.
- شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
- شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۵.
- صدیقی، غلامحسین، «جرعه فشانی بر خاک»، *یادگار*، ش ۸، ۱۳۲۴.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری، قم، دارالعلم، ۱۳۵۰.
- *المیزان*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- فروید، زیگموند، *توتم و تابو*، ترجمه ایرج پوریباقر، تهران، آسیا، ۱۳۲۶.
- قردان قراملکی، محمدحسن، «جاودانگی شریعت و ملاک‌های آن»، *فقه و حقوق*، ش ۳، ۱۳۸۳.
- قدیانی، عباس، *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱.
- قائم‌نیا، علیرضا، *درآمدی بر منشأ دین*، قم، معارف، ۱۳۷۹.
- لسان، حسین، «قربانی از روزگار کهن تا امروز»، *هنر و مردم*، ش ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۳۵۵.
- مصاحب، دکتر غلامحسین، *دائرةالمعارف فارسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰.
- مصطفوی، علی اصغر، *اسطوره قربانی*، بی‌جا، انتشارات علی اصغر مصطفوی، ۱۳۶۹.
- مطهری، مرتضی، *علل گرایش به مادگرایی*، چ سیزدهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.

نیدرگانگ، مارسل، بیست کشور امریکای لاتین، ترجمه محمد قاضی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶.

همیلتون، ملکم، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیبان، ۱۳۷۷.

هومر، ایلیاد، ترجمه سعید نفیسی، بی‌جا، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲.

Evans-Prichard, E.E., "The Meaning of Sacrifice among the Nuer", in: *Understanding Religious Sacrifice*, Jeffrey Carter (ed.), New York, 2003.

Faherty, Robert L., "sacrifice", in: *The New Encyclopedia Britanica*, 15th Ed, Chicago, Encyclopedia Britannica, Inc, 1974.

Henninger, Joseph, "sacrifice", in: *The Encyclopedia of religion, Mircea Eliade (ed.)*, New York, 1987.

James, E.o., "Sacrifice", in: *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, Charles Scribners Sons.

Jensen, A.E., "From Myth and Cult among Primitive Peoples", in: *Understanding Religious Sacrifice*, Jeffrey Carter (ed.), New York, 2003.

Mazlish, Bruce, "Comte, Auguste", in: *The Encyclopedia of Philosophy, Edwards Paul (ed.)*, New York, Macmillan, 1996.

Smith, William Robertson, "The Religion of the Semites", in: *Understanding Religious Sacrifice*, Jeffrey Carter (ed.), New York, 2003.

Tylor, E.B., "Primitive Culture", in: *Understanding Religious Sacrifice*, Jeffrey Carter (ed.), New York, 2003.

Zoe Petropoulou, Maria, *Animal Sacrifice in Ancient Greek Religion, Judaism, and Christianity 100 BC- AD 200*, Oxford, New York, 2008, retrieved from <http://books.google.com>.